



۲۰۱۵/۱۰/۳۰



هاشم انوری

## حکومت دو سره غنی - عبدالله

به هیچ یک از تعهدات خود عمل نمودند

بلی حکومت دوسره "غنی" - "عبدالله" یا حکومت اتحاد ملی که در حقیقت حکومت اتفاق ملی است، به هیچیک از تعهدات خود عمل نکردند. و همان اصطلاح وطنی ما در حق شان صدق می کند که « صد سر را تر کردند اما یکی را هم گل نکردند».

با یک سالگی حکومت داکتر غنی و داکتر عبدالله دروازه های امید مردم برای داشتن یک زندگی نسبتاً آرام و برقراری صلح در کشور بسته شد، و از همه مهمتر پشتیبانی شان از این حکومت و دولت فاقد اختیار، بی صلاحیت و دو سره به درجات بسیار پائین نزول نمود. مردم افغانستان در طول حکومت ۱۳ ساله فاسد و مصلحت گرای حامد کرزی به ستوه آمده بودند و امید زیاد داشتند که اشرف غنی با پیروزی در انتخابات و با وعده های چرب و نرم اش خواب های شان را به حقیقت مبدل می سازد. اما نتیجه انتخابات دیده شد که بر وفق و مرام مردم نبود، زیرا داکتر عبدالله کاندید جمعیت اسلامی "به قول اشرف غنی" همراه با تیم تشنه به قدرت اش دست به یک سلسله اقدامات غیر مدنی زدند و با زور اسلحه و تفنگ در جاده ها سرازیر شدند، که گویا در صورت عدم به قدرت رسیدن شان کشور را به مخاطره می اندازند و زمینه یک بحران دیگر را مساعد می سازند.

اشرف غنی همان قسمی که جسماً یک شخص ضعیف و کمزور بود و است، معلوم شد که در تعهد و تصامیم خود نیز چندان قوی و قاطع ندرخشید و از حق مسلم خود دفاع نکرد، چه برسد به اینکه از حقوق اتباع خود دفاع نماید، و مانند حامد کرزی بی کفایت تن به یک مصالحه و موافقتنامه داد و قدرت حکومتی را با داکتر عبدالله "به قول اشرف غنی" نماینده جمعیت مساویانه تقسیم نمود و زحمات و جان فشانی های مردم و هواداران خود را نادیده و به خاک یکسان نمود.

باز هم مردم افغانستان با این همه بازی های موش و پشک این دو کاندید سر قناعت را خم نمودند و تشکیل این حکومت را به فال نیک گرفتند تا به یاری خداوند (ج) و با جد و جهد این دو داکتر، کشور به یک سمت مثبت سوق داده شود و یک امنیت سرتاسری توأم با ایجاد شغل و زمینه یک زندگی نسبی انسانی که حق مسلم هر انسان است مهیا شود، اما برعکس دیده شد که در ظرف یکسال نه تنها کدام امنیتی تأمین نشد و برای جوانان زمینه شغلی مهیا

نگردید، امنیت نسبی و ناچیز کشور هم به تهدیدات بزرگتر مواجه شد و شغل محدود مردم هم از بین رفت که در نتیجه صد ها هزار جوان با تقبل صد ها خطر و آینده های نامعلوم راهی دیار بیگانه ها گشتند، که مسؤول همه این ناملایمات و تلفات غنی و عبدالله است، که مسؤولیت بیشتر را شخص خودم به ذمه اشرف غنی می اندازم، زیرا با این محافظه کاری ها و خیز و جست های بلند خود نتوانست آرمان میلیون ها پیر و جوان این مملکت را، که از دست تنظیم های غیر مسؤول و فساد گسترده شان به ستوه آمده بودند برآورده بسازد.

بقیه کمبودات این دولت ناقص و غیر متعهد را در این منظومه انتقادی که به گمان اغلب خواست و سوز دل اکثریت مردم نجیب ما همین است خدمت تان تقدیم میدارم:

### به تو گویم رئیس جمهور غنی!

دهانت بسته اند این زیر دستان	نمیخواهی پیرسی، حرفی ز ایشان
اگر پرسى سؤال از دور و پیشت	بیازی این مقام و، شوکت و شأن
ترا جمهور نمود، رشید دوستم	بسا افسوس بر دولت، و مردم
نمی دانم چه سان جادو شدی تو؟	گمانم وعده دادی بر همه تو؟
یکی را وعده چوکی وزارت	دیگر را وعده خارج، سفارت
پدر ها مُرد، پسر ها شد، وزیران	همینگونه جفا شد در تقرر با سفیران
بسا تنقید بالاییست روان است	که اشرف لب گشا بهر خدایت
مگر تو میکنی هر گپ پس گوش	همه گویند که جمهور، رفته از هوش
تو جادادی بدورت، خائن و قاتل، ستمگار	مگر کوری؟ که داریم مردمان راستکار
تو هستی سخت مسؤول نزد مردم	نمیبخشد ترا مردم، چو مردم کردی بیکا
به یاد آور قیام و خشم مردم	بهار عرب وان نیشهای، تیز گزدم
همان نیش ها که دولتها نگون کرد	جوانان رشید و توده ها و قهر مردم
همین باشد جزای هر فریب کار	که اندازند به دورش چون جفاکار
تو هم روزی روی پشت کلاهت	به خاطر دار که می بینی جزایت
روی پشت کلاهت کمترین وقت	خدا داند که باز یابی، تواین بخت
بکن جرئت، بکن خدمت به مردم	نباشد راه مردی، ظلم به مردم
تو خوب دانی که طالب است دشمن	ولی با حيله هایت میکنی نقصان به میهن

تو خوانی دشمن خاک و خصم مردم، برادر  
مگر بر " انوری" این گفته باشد نا برابر